

# ردپای دنیا در فاجعه ۶۱

مؤلف :

حشمت الله قبری همدانی



شرکت چاپ و نشرین الملل

www.kotab.ir

قنبری همدانی، حشمت‌الله، ۱۳۴۰-

ردپای دنیا در فاجعه ۶۱ / تألیف حشمت‌الله قنبری همدانی. - تهران: سازمان تبلیغات اسلامی .

شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۴.

ص ۲۳۳

ISBN 978 - 964 - 304 - 199 - 1

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. ۲۲۵-۲۳۲.

نمایه

۱. واقعه کربلا، ۶۱ ق. ۲. عاندورا تاریخ نویسی الف‌سازمان تبلیغات اسلامی. شرکت چاپ و نشر بین الملل.

ب- عنوان

۲۹۷/۹۵۳۴

BP ۴۱/۵/۷۴

۲۸۱۳ - ۸۴ م

کتابخانه ملی ایران

## شرکت چاپ و نشر بین الملل



نام کتاب: ردپای دنیا در فاجعه ۶۱

مؤلف: حشمت‌الله قنبری همدانی

نوبت چاپ: ششم - زمستان ۱۳۹۳

لیتوگرافی: الوان

چاپ و صحافی: سپهر

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

قیمت: ۷۵۰۰۰ ریال

صفحه‌آرا: نادر شالیان

طراح جلد: محمدرضا نبوی

مسئول تولید: شریف شایسته

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۴-۱۹۹-۱

دفتر مرکزی:

تهران، میدان استقلال، سعدی

جنوبی، پلاک ۲، طبقه سوم

تلفن: ۳۳۹۲۹۵۹ - ۰۲۱

نمابر: ۳۳۱۱۸۶۰۲

فروشگاه مرکزی:

میدان فلسطین، ضلع شمال

شرق، پلاک ۴ و ۵

تلفن: ۸۸۹۲۱۹۸۰ - ۰۲۱

نمابر: ۸۸۹۰۳۸۴۳

Email: intlpub@intlpub.ir

www.intlpub.ir

همه‌ی حقوق محفوظ است. هرگونه نسخه‌برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره‌ی کامپیوتری اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، اقتباس در گیومه در مستندنویسی و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۱	بیت الشکوی
۱۳	پیشگفتار
بخش اول: مبانی نظری انحراف تا فاجعه ۶۱	
۱۷	فصل اول - نطفه‌های فاجعه
۱۹	ما و کربلا!؟
۲۱	قرآن نسخه جامع الهی
۲۳	جرعه‌ای از فرات: دیدار و گفت‌وگوی امام با مروان
۲۴	وداع با رسول خدا
۲۷	فصل دوم - استراتژی مصادره قدرت
۲۸	اولین فاجعه و نخستین حماسه
۳۰	فدک: مصادره حاکمیت علوی

۳۲	تحلیل علی بن فارقی
۳۴	جرعه‌ای از فرات: شهادت سفیر
۴۱	فصل سوم - منع و جعل سکه انحراف حدیث
۴۲	تحریف
۴۴	هدایت علوی در افشای جاعلان
۴۵	تخصیص بودجه برای دشمنی با اهل بیت (ع)
۴۶	تحریف و نفی انسان مسئول
۵۰	جرعه‌ای از فرات: آزاده‌ای در رکاب آزادگی
۵۲	ماجرای ورود به کربلا
۵۳	شخصیت حر
۵۵	فصل چهارم - علم مغلوب
۵۷	«مسئولیت» در آموزه‌های قرآن
۵۹	ظلم به نسل دوم
۶۱	پیغام بهت آور قرآن
۶۳	جرعه‌ای از فرات: اُم و هب آسمان سخاوت
۶۷	فصل پنجم - انسان مسئول، انسان تراز اسلام
۶۸	مردمان بی تعقل
۶۹	نقش آفرینی عایشه
۷۰	مخالفت عایشه با حکومت عثمانی
۷۲	افشاگری عبید بن ام‌کلاب
۷۶	جرعه‌ای از فرات: قاسم: سفیر صادق امام حسن (ع)
۸۱	فصل ششم - خشت بنای جور
۸۳	عمرو عاص و عثمان و پیراهن خونین
۸۶	سازش بنی امیه با رومیان
۸۸	جرعه‌ای از فرات: نماز عشق
۹۳	فصل هفتم - فاجعه دوری‌گزیدن از اهل بیت

- ۹۵ ..... اهل بیت منزلتی عرشی
- ۹۷ ..... اهل بیت ستیزی و سقوط
- ۹۹ ..... جرعه‌ای از فرات: اکبر سایه پیامبر و رعناى كربلا

### بخش دوم: سیر انحراف تا فاجعه ۶۱

- ۱۰۵ ..... فصل هشتم - عوامل لغزش خواص
- ۱۰۶ ..... تعصب، حجاب هدایت
- ۱۰۷ ..... ابلیس و تعصب
- ۱۰۹ ..... تعصب و معاویه
- ۱۱۱ ..... انواع تعصب
- ۱۱۴ ..... تملق
- ۱۱۷ ..... عجب، بستر تملق
- ۱۱۹ ..... حق معیار معرفت
- ۱۲۱ ..... مرز تواضع و تملق
- ۱۲۳ ..... ویژگیهای اهل نفاق
- ۱۲۵ ..... پست‌ترین حالات صاحب‌منصبان
- ۱۲۶ ..... دنیا چیست؟
- ۱۲۷ ..... ویژگیهای دنیا
- ۱۲۹ ..... خطرات دنیا
- ۱۳۱ ..... کوتاه بودن عمر دنیا
- ۱۳۲ ..... دنیا خانه ابتلا
- ۱۳۶ ..... پند گرم و لطیف علوی
- ۱۳۸ ..... جرعه‌ای از فرات: عباس: تندیس جوانمردی
- ۱۴۳ ..... فصل نهم - طلوع خلافت ناب اسلامی از تاریکیهای دنیا
- ۱۴۵ ..... درخشش خورشید عدالت
- ۱۴۹ ..... صیانت از اموال عمومی اصل ثابت

- ۱۵۰ ..... جرعة دنیا بر خرمن متدین نمایان.
- ۱۵۱ ..... مزد سابقه داران؟
- ۱۵۵ ..... شایسته سالاری
- ۱۵۷ ..... محصول اصول‌گرایی و عدالت محوری بی‌اغماض
- ۱۶۲ ..... جرعه‌ای از فرات: وداع و شهادت اباعبدالله (ع)
- ۱۶۷ ..... فصل دهم - صلح صالح
- ۱۷۰ ..... یگانگی امام حسن و امام حسین (ع)
- ۱۷۳ ..... زندگی ننگین و پرفاجعه معاویه
- ۱۷۶ ..... کارنامه سیاه
- ۱۷۷ ..... صلح حدیبیه‌ای امام مجتبی (ع)
- ۱۸۱ ..... مردم‌سالاری دینی
- ۱۸۳ ..... روند صلح بی‌نقص
- ۱۸۸ ..... جرعه‌ای از فرات: عشق در مدیحه
- ۱۹۳ ..... فصل یازدهم - قرآن ناطق
- ۱۹۶ ..... مرگ سیاه ۴۲ سال خیانت و جنایت
- ۲۰۰ ..... ورود یزید به قصر حکومتی
- ۲۰۰ ..... امواج فتنه
- ۲۰۱ ..... نامه به ولید
- ۲۰۳ ..... مشاورت ولید و مروان
- ۲۰۳ ..... احضار امام (ع)
- ۲۰۴ ..... حضور امام (ع) در قصر حکومتی
- ۲۰۶ ..... گفت‌وگوی امام (ع) و مروان
- ۲۰۷ ..... شب هجرت و وداع
- ۲۰۹ ..... گفت‌وگوی امام (ع) و محمدبن حنفیه
- ۲۱۰ ..... وصیتنامه امام (ع) به محمدبن حنفیه
- ۲۱۲ ..... جرعه‌ای از فرات: خسوف

۲۱۵	فصل دوازدهم - نهضت اصلاحی
۲۱۶	اصلاحات دینی و صداقت و صراحت
۲۱۷	خط قرمز اصلاح‌گری توحیدی
۲۱۹	مکانیزم اصلاح‌طلبی دینی
۲۲۱	محصول اصلاحات دینی
۲۲۲	جرعه‌ای از فرات: فرجام ضیافت سرخ
۲۲۵	فهرست منابع
۲۳۳	نمایه

## بث الشکوی

چه سالهای بلندی از آن کمتر از یکروز و بیش از نیمروز دهم محرم الحرام می‌گذرد و هنوز در پس آن غروب غم‌افزایی که خورشید بی‌حسین در محاق نشست، آه می‌گوید حسین! راه می‌گوید حسین! هر غبار هی زده بر خاک می‌گوید حسین!

قرنها گذشت از آن روز یلدایی که از هر شام تازی سیاه‌تر بود و هنوز آب فرات می‌گوید حسین!، القمه گوید حسین!، نخل می‌گوید حسین!، هر ناله غمناک می‌گوید حسین!!

دیدمش از پا فتاد و تیرکین از دل کشید و در فراسوی سکوت عرشیش، هر قطره خون گوید حسین!، خون جگر نالد حسین!، نیزه با هر شعبه‌اش فریاد می‌آرد حسین!

دید چشمانم، در غروبی پر زحسرت زینبی از خیمه‌ها آمد برون، در پی‌اش دختی صدا می‌زد حسین!، حتی از میان خیمه‌گه شعله آتش صدا می‌زد حسین!!

دخت حیدر با صلابت درب از خیبر گشودی آزمان، که رو نهادی قتلگه. در شعاع اضطرابش نیزه گفتا یا حسین!، تیغ می‌نالد حسین!، زیر کوهی از سنان، افسرده‌ای فریاد می‌زد یا حسین.

دیدمش او را دوید، پیکری در برکشید، خون به لبهایش لمید آن لحظه که بر حنجر مولا رسید، اشک می‌گفتا حسین!، ناله گفتا یا حسین! ریگ صحرا یا حسین! مرغ دریا یا حسین.

آن شب خاموش و بی‌سردار و بی‌یاور، نهادی عشق، بوسه بر کوه صبر زینب، آن گاهی که دشت لرزید و آب خشکید و مادری در اقتدا بر دخترش فریاد می‌زد یا حسین!

خواب بودم دیدمش صدپاره پیکر ایستاد و زینبش دستی به پهلو می‌فشرد و دستهایی آمد از



آن سوتر صحرا خرامان، کودکی غلتان به خون بر دستی از جنس خدا با نغمه‌ای گفتا حسین!  
 گویا محشر شبی بود، جسمهای پاره‌پاره، مادرانی چون ستاره، نوجوانان، ماهپاره، پیرمردان  
 چون فرشته، دسته دسته رو به کعبه، کعبه‌ای در طوف این صحرا، خاکهای چادرش فریاد می‌زد  
 یا حسین.

ناگهان از خیمه بیرون شد امیری، حیدری! لولوشی، اما کمانی!، رنگ زردی، درد پنهان  
 قلب سوزان، لعل عطشان، دست بر دامن مادر داد می‌زد یا حسین!  
 آسمان بشکست. آن سوتر، کمی بالاتر از رنگین کمان، مردی آمد در پی اش صد کهکشان مرد  
 و زنان بر سر زنان، وای من دندان بشکسته و پیشانی زخمین او فریاد می‌زد یا حسین!  
 دستی آمد با عصا، روحی پر از قدس و دعا، نوحی به روی موجها، یعقوبی اما بینوا، صد  
 یوسف گمگشته عرش خدا، ای وای من ایوب بی طاقت شد و فریاد زد مولا حسین!  
 این گدای بی حیا و پرگناه و زشت کردار و سیه‌رو، دست بر سینه نهاد و صورتش بر خاک پای  
 همسر حیدر نهاد و با تهیدستی خود جوشش داغ قلم را بر قدمهایش نشاند و گفت: یا زهر! جان  
 تو و این خسته از راه مانده بی پناه و دست احسان تو و فقر من لطف حسین.  
 حشمت‌الله قنبری همدانی

## پیشگفتار

سالیان طولانی از حماسه جاویدان و نهضت بی نقص اصلاح طلبانه وجود مبارک حسین بن علی (ع) می‌گذرد؛ شگفت آور اینکه از روز حادثه تا امروز که بشر تجربه نوینی را در حیات تاریخی خود به تماشا نشسته است در دوره‌های متعدد، تیغ جور و ستم و تحریف بدون هیچ‌گونه ملاحظه‌ای همچنان بر پیکر کربلا بیان سال ۶۱ کوبیده شده و دست تعدی در نبرد بی‌امان خود با توحید و یکتاپرستی، بدون وقفه بر معارف عاشورا ناخته و یا دستبرد زده است؛ گاهی با قتل و غارت شیعیان علوی و آل عصمت، و زمانی با تخریب و ویران کردن حرم و قبور نورانی امام هدایت (ع) و سرداران همیشه جاوید کربلا و بذرافشاندن و آب‌گرفتن بر حرم حسینی، دوره‌ای با بستن مالیات و تهدیدات مالی بر زائران و... اما حسین بن علی (ع) با همان حرارت و با همان نشاطی که جمع ملائکه و فرشتگان مقرب الهی را در طواف خود دارد همچنان کعبه عشق راست قامتان و حقیقت‌طلبان و خدا باوران است، و هر وجدان بیدار و آگاهی با معنای زندگی، آزادی، استقلال، اصلاح‌طلبی و جوانمردی، بدون حسین بیگانه است. نکته بسیار لطیف در حقیقت کربلا، ظهور همیشه تازه و معارف نوبه‌نو عاشورا برای نسل بشر است؛ از پیچیده‌ترین گروه و جوامع انسانی تا ساده‌ترین بافت‌های اندیشه‌ای پیوندی ژرف و عمیق با حسین (ع) و کربلا و عاشورا دارند - هر گروه و جمعیتی فراخور خود.

... گاهی با خود می‌گفتم چرا این همه تحریف و جعل و اتهامات نارو - عمدتاً و سهواً - بر

حقیقت زلال عاشورا تحمیل می‌شود؟! چرا بعضیها از سر عناد، کینه‌توزی با جریان توحیدی انبیاء و امامان حق، کربلا و عاشورا را محلی برای تحصیل نان و نام‌گزیده‌اند و گروهی از سر محبت، با سخنان ناروا و تحمیل ذلت و زبونی به آن حقیقت ناب، در جستجوی راهی به قلب مردم عاشق و یانانی و نامی هستند؟! اما آنچه بر حیرتم می‌افزود این بود که چرا با این همه ظلم و جفا و تهمت و نامهربانی و بی‌لطفی هنوز کربلا، کربلا و عاشورا، عاشورا است؛ داغ و پرگداز و پرعشق و با معنویت، آنچنان که بدون هیچ‌گونه اندیشه‌ای، هرکسی طعم کربلا را در ذائقه و داغش را بر سینه دارد؟!

... با خود گفتم امروز به برکت نهضت مرجع تقلیدی از نسل نورانی ابا عبد الله، که مشی اصلاح‌طلبانه او را پیش گرفته و جرقه‌ای از فرهنگ عاشورا و کربلا را بر جان و دل جوانان این مرز و بوم نشانده و دختران و پسران امروزین کشور به برکت آن بزرگمرد الهی مشتاقانه در وادی تحقیق و تعقل گام نهاده و با شتابی حیرت‌انگیز به سوی قله‌های عقل و اندیشه و دانش طی طریق می‌کنند، سزاوار است مطابق با نیاز درست آنان در محضر حسین(ع) و عاشورا و کربلا قرار گرفت و از گلستان و حیاتی اهل بیت خوشه‌چینی کرد و در معرض اندیشه‌های موج‌قرار داد. لذا در ۲۴ جلسه سخن و گفت‌وگو با تعدادی از استادان بزرگوار و دانشجویان دانشگاه‌های تهران در مسجد ولی‌عصر به بررسی علل و اسباب پیدایی نهضت عاشورا پرداختم. مجموعه حاضر حاصل ۱۲ جلسه از آن گفت‌وگوهاست، که با همت چند تن از ارادتمندان خاندان نبوت و امامت به زیور طبع آراسته شده است. بدون تردید مجموعه‌ای که پیش‌روی شماست خالی از نقص نیست و این بنده نیز هیچ‌گاه چنین باوری نداشته و ندارم، اما این کم‌لرزان، دست‌ادب و ارادتی بر سینه دارم که از عشق حسینی بی‌بهره نیست، کریمانه ارشاد فرمایید و عیبهای این فقیر را بسادآور شوید تا اصلاح کنم و از اینکه مرا در تحصیل مراد که همانا رضایت آل عصمت (علیهم‌السلام) است یاوری می‌فرمایید سپاسگزاری می‌کنم.

در خاتمه بر حال خوش برادرانم آقایان دکتر مرتضی کاخی، مهدی مهراندیش، احمدی‌عقوب‌زاده، امیرحسین قانع، منصور وحیدی‌فر و خانم مهدیه ساوجی، که در طول این مسیر با اندیشه و قلمهای پاک خود با عاشوراییان در صفا بودند غبطه می‌خورم.

فروردین ماه سال ۱۳۸۴

حشمت‌الله قنبری همدانی